

مهدی صحراگرد<sup>۱</sup>

## سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: صفات قلم کوفی در قرآن تازه‌یابِ ری

مقدمه

از آغاز سده چهارم هجری، همزمان با افول قدرت خلیفه در بغداد، دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز شد که برخی از مورخان آن را «میان‌پرده ایرانی» نام نهادند؛ زیرا از این زمان تا ظهور غزنویان و سلجوقیان ترک، دو سلسله ایرانی بر شرق جهان اسلام فرمان راندند. برآمدن سامانیان (۲۶۱-۳۹۵ق) و سامان یافتن سیاسی و اجتماعی شرق ایران از یک سو و ظهور آل بویه در غرب ایران شکوفایی‌ای ویژه در همه ابعاد حیات ایرانیان پدید آورد. ظهور آل بویه از آن رو اهمیتی وافر در تاریخ سلسله‌های اسلامی دارد که بوییان، با تصرف بغداد و تسلط بر دستگاه خلیفه، عملاً فرمانروای حکومت اسلامی شدند و بدین ترتیب فرهنگ و اندیشه ایرانی در جهان اسلام بیش از پیش نفوذ کرد. روحیه شاهان آل بویه در حمایت از علم و فضل و فرهنگ موجب شکل‌گیری مجدد مجالس بحث علما و ادا شد. نیز در سایه تساهل مذهبی بوییان بود که عقل‌گرایی در مجالس و محافل علمی، که پیش‌تر با سرکوب متوکل عباسی (خلافت ۲۳۲-۲۴۷ق) از میان رفته بود، مجدداً احیا و شکوفان شد.

در نتیجه چنین شرایطی، کتاب و کتابخانه در این عصر رونق بی‌سابقه یافت. کتابخانه‌های متعدد شاهان و وزرای آل بویه، چه آنها که مستقیماً تحت حمایت دربار بود و چه آنها که در دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های شخصی وزرا پدید آمد، شهرتی بسزا یافته است. یکی از نخستین کتابخانه‌های مشهور آل بویه کتابخانه ابوالفضل بن عمید وزیر دانشمند رکن‌الدوله است. او که در انشاء و ترسل دستی توانا داشت ۲۴ سال وزیر رکن‌الدوله بود. گویند کتابخانه‌اش برابر با صدبار شتر بود و از اهمیتش همین بس که ریاستش برعهده ابن مسکویه (ف ۴۲۱ق)، مورخ و اندیشمند مشهور، بود.<sup>۲</sup>

عضدالدوله (حک ۳۳۸-۳۷۲ق)، قدرتمندترین امیر آل بویه، که علاقه‌ای وافر به کتاب داشت، فرموده بود در شیراز کتابخانه‌ای عظیم سازند؛ کتابخانه‌ای با اتاق‌های بسیار، که او هر روز در یکی از آن اتاق‌ها مجلسی می‌آراست. این کتابخانه در نظم و مدیریت نظیر

از تاریخ نسخه‌پردازی منطقه‌ای سده‌های نخست هجری در ایران آگاهی‌های ناچیزی در دست است. زیرا اندک نسخه‌های به‌جامانده از این سده‌ها به‌سبب نداشتن برگه انجامه یا اطلاعاتی که زمان و مکان دقیق تولید نسخه را در بر داشته باشد، ملاکی معتبر برای شناخت شیوه‌های منطقه‌ای قرآن‌نگاری نبوده است. از همین رو، نمونه‌هایی که آگاهی دقیقی از زمان و مکان تولید نسخه به دست دهد به‌منزله محور مطالعات اهمیتی درخور می‌یابند، مانند قرآن ابن بواب، مورخ ۳۹۱ق. اخیراً در میان اوراق باز یافته کتابخانه آستان قدس رضوی بخشی از یک قرآن کشف شد، که آگاهی‌های بسیار دقیق و ارزنده‌ای از محل و زمان تولید، حامی و نام‌کاتب و مذهب در بر دارد. این نسخه را عباس بن محمد بن عباس مصاحف قزوینی در سال ۳۹۱ق در ری برای «خزانه‌الکتاب» سیده‌خاتون، همسر فخرالدوله دیلمی، تهیه کرده است. ارزیابی دقیق‌تر انجامه و ویژگی‌های نسخه از ارتباط سبکی با قرآن‌های اصفهانی، مانند کشواد شواد بن املاس (مورخ ۳۲۷ق، اصفهان)، حکایت می‌کند. همچنین در تذهیب نسخه نشانه‌هایی مشترک با آرایه‌های بناهای عصر ساسانی ری هست که حاکی از وجود سبک محلی تذهیب است. در نهایت، مصاحف قزوینی را باید جزو آخرین وراقانی به‌شمار آورد که تمام مراحل کتابت و تذهیب را به‌تنهایی بر عهده داشته است.

نداشت و گفته‌اند از هر کتابی که تا آن زمان تألیف شده بود نسخه‌ای در این کتابخانه بوده است.<sup>۲</sup>

از کتابخانه‌های مشهور دیگر کتابخانه صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵ق)، وزیر باکیاست مؤیدالدوله و فخرالدوله، بود؛ کتابخانه‌ای پررونق در باغ صاحب‌ری که مجلس علمای بزرگ در آن برگزار می‌شد. کتابخانه صاحب، بنا به یادداشتی از خودش، حدود ۱۱۷ هزار جلد کتاب داشت<sup>۴</sup> و فهرست کتاب‌هایش ده مجلد بود.<sup>۵</sup> این کتابخانه همانی است که در جریان حمله سلطان محمود غزنوی (حک ۳۸۷-۴۲۱ق) به ری کتاب‌هایش را تلی ساختند و آتش کشیدند، تلی چنان بزرگ که مدت‌ها بعد به تل کتاب معروف بود.<sup>۶</sup>

جز اینها، چندین کتابخانه مهم دیگر در این عصر برپا شد، از جمله: کتابخانه بهاءالدوله (حک ۳۷۹-۴۰۳ق)، پسر عضدالدوله، در شیراز که خازن و کتابدارش علی بن هلال مشهور به ابن بواب (ف ۴۲۳ق)، خوشنویس صاحب‌نام اقلام شش‌گانه، بود؛ همچنین، کتابخانه هلال صابی، دبیر عضدالدوله در بغداد، و کتابخانه حبشی بن معزالدوله، شاهزاده مطرود بومیان، در بصره، که به‌گفته مسکویه پانزده هزار جلد کتاب داشته است.<sup>۷</sup>

برخی از کتابخانه‌های مهم دیگر این دوره بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر بودند که به دارالعلم شهرت داشتند. دارالعلم مجموعه‌ای فرهنگی بود متشکل از کتابخانه‌ای عمومی، چند تالار و اتاق‌هایی برای اهداف مختلف از جمله برگزاری مجالس بحث.<sup>۸</sup> دارالعلم، علاوه بر کتابخانه، مکانی برای تبلیغ و ترویج علوم مختلف بود. برای نمونه، شاپور بن اردشیر (ف ۴۱۶ق)، وزیر بهاءالدوله، در محله بین السورین کرخ در بغداد دارالعلمی برپا کرد که گفته‌اند شمار کتاب‌هایش بیش از ده‌هزار و چهارصد جلد بود. بیش از صد نسخه این کتابخانه قرآن‌های نفیس به خط خوشنویسانی مشهور چون ابن مقبله بوده است.<sup>۹</sup>

به‌رغم شهرت و اعتبار این کتابخانه‌ها و اطلاعات ارزنده‌ای که در این باب در منابع درجه‌اول ذکر شده، آگاهی ما از هنرهای مربوط به کتاب این دوره بسیار محدود است. منابع درجه‌اول هیچ‌سرنخی از ویژگی‌های

کتاب‌پردازی به دست نمی‌دهند، مگر اطلاعاتی بسیار کلی.<sup>۱۰</sup> تحقیقات انجام‌شده بر آثار به‌جامانده نیز عمدتاً متمرکز است بر قرآن ابن بواب مورخ ۳۹۱ق (لیدن، کتابخانه چستریتی، ش ۱۴۳۱) که جزو معدود نسخه‌های تاریخ‌دار شناخته‌شده سده چهارم است. این نسخه ارزنده، که کهن‌ترین قرآن تاریخ‌دار به خط ریحان‌مایل به نسخ به شمار می‌رود، اثری است که مشخصاً تحت حمایت امیران آل بویه در بغداد تولید شد. سلامت نسخه موجب شده محققان بتوانند جزئیاتی مهم از چند و چون خط و تذهیب این دوره را بازشناسند. با این همه، این تک‌اثر گویای تمام ابعاد و شیوه‌های کتابت و کتاب‌پردازی قلمرو آل بویه نیست.

در میان اوراق بازیافته<sup>۱۱</sup> کتابخانه آستان قدس رضوی، اخیراً بخشی از یک قرآن کوفی به‌دست آمد که انجامه‌ای کامل دارد. این انجامه گواهی می‌دهد که قرآن را عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی به سال ۳۸۹ق برای خزانه‌الکتب ام‌الامرا، همسر فخرالدوله دیلمی (حک ۳۷۳-۳۸۷ق)، کتابت کرده است. این نسخه در ری کتابت و تذهیب شده است و به‌سبب اطلاعات ارزشمندش از زمان و مکان تولید اثر و نام حامی و کاتیش اثری بسیار مهم در بازشناسی سنن کتابت و کتاب‌آرایی در سده چهارم هجری به‌شمار می‌رود. در این مقاله، ضمن مرور ویژگی‌های نسخه‌شناسانه این اثر می‌کوشیم ابعاد هنری و تاریخی این نسخه را به‌منظور بازشناسی نکات مجهول و مغفول‌مانده این بخش از تاریخ هنر ایران تحلیل و ارزیابی کنیم.

### پیشینه تحقیق

اگرچه تاکنون در باب تاریخ هنر آل بویه تحقیقاتی قابل توجه صورت بسته است، به‌علت در دست نبودن آثار رقم‌دار و قطعی، از خصایص هنری این دوره، خاصه کتابت و کتاب‌آرایی، نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت. جاناتان بلوم<sup>۱۲</sup> و شیلابلر<sup>۱۳</sup> هر یک در مقاله‌هایی جداگانه نشان می‌دهند بسیاری از آثار منسوب به دوره آل بویه اساساً جعلی یا مربوط به سلسله‌های دیگر بوده است.

به همین سبب، تنها تحقیقاتی که کم‌وبیش از ویژگی‌های کتاب‌پردازی دوره آل بویه سخن رانده‌اند همان‌هایی است که به بحث و ارزیابی قرآن ابن بواب، مورخ ۳۹۱ق، اختصاص دارد. البته، به سبب تولید این نسخه در بغداد، برخی پژوهشگران این اثر را نه اثری از آل بویه بلکه به منزله اثری تحت حمایت خلیفه عباسی ارزیابی کرده‌اند، مانند هلال ناجی در ابن‌البواب عبقری الخط العربی عبر العصور (۱۴۱۵ق)، غافل از اینکه حامی این خوشنویس فخرالملک، وزیر بهاء‌الدوله، بوده است.

شمار تحقیقاتی که از قرآن ابن بواب سخن رانده‌اند بسیار است، زیرا این نسخه نقطه آغازی است بر استفاده از اقسام مستدیر در کتابت قرآن. کهن‌ترین تحقیق منسجم در این باره قرآن منحصر به فرد این بواب<sup>۱۴</sup> (۱۹۵۵) نوشته دی اس رایس<sup>۱۵</sup> است. نویسنده در این کتاب ضمن شرح احوال ابن بواب از جایگاه او در دربار بهاء‌الدوله و وزیرش، فخرالملک، سخن رانده است.<sup>۱۶</sup> او در ادامه اطلاعاتی دقیق از ویژگی‌های نسخه به دست می‌دهد. این نوشته منبع دیگر محققان درباره قرآن بوده است.

عموم محققان ایرانی در ذیل تاریخ اقسام ششگانه از ابن بواب و قرآنش سخن گفته‌اند، از جمله حبیب‌الله فضائی در اطلس خط (۱۳۶۲)<sup>۱۷</sup> و محمدآصف فکرت در مدخل «ابن بواب» در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۳).<sup>۱۸</sup> اخیراً علیرضا هاشمی نژاد نیز این قرآن را به منزله اثری تکامل‌یافته از اقسام مستدیر به عنوان مقطعی از تاریخ اقسام مستدیر خط‌شناسی کرده است.<sup>۱۹</sup>

دیوید جیمز، در تبیین صفات قرآن‌نگاری مملوکان، قرآن ابن بواب را مبنای تحلیل قرآن‌های مملوک قرار داده است.<sup>۲۰</sup> شیلا بلر نیز در شرح اقسام مستدیر از ابن بواب و قرآن کتابخانه چستریتی به منزله نسخه‌ای از سده چهارم سخن رانده است؛<sup>۲۱</sup> البته با رویکردی خط‌شناسانه بدون توجه به جایگاه حامیان.

از قرآن مورد بحث این تحقیق، صرفاً رمضان‌علی شاکری در کتاب گنج هزارساله تصویری بدون ذکر نام کاتب و جایگاه آن منتشر کرده است، تصویری از انجامة

نسخه که سرنخی مهم برای جستجوهای نگارنده بود.<sup>۲۲</sup> از آن زمان، کسی از وضعیت این نسخه اطلاعی نداشت، زیرا این نسخه، در میان اوراق بازیافته، بدون شماره، رها شده و در شمار نسخه‌های فهرست‌شده کتابخانه آستان قدس نیامده بود.

گفتنی است نگارنده در کتاب سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی در معرفی یکی دیگر از قرآن‌های کاتب این نسخه، عباس بن محمد قزوینی، محل فعالیت این کاتب را مرکز ایران، حدس زده بود، زیرا چنان‌که خواهیم دید خط قرآن دیگر این خطاط به خط قرآن کشواد بن املاس، کتابت‌شده در اصفهان، شباهتی بسیار دارد.<sup>۲۳</sup> اما بی‌اطلاعی از وجود این نسخه موجب شد تحلیل تاریخی جایگاه کاتب و سبک کتابت یادشده به تک نسخه مذکور محدود ماند.

#### ۱. ویژگی‌های کلی نسخه

- شماره ثبت: ۴۷ (موقت)

- متن: نیمه آیه ۱۴ صف (۶۱) [أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ] تا آیه ۶ ناس (پایان قرآن)

- تاریخ و محل تولید: ۳۹۱ق (ری)

- کاتب: عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی  
- برگ: ۳۵ / اندازه: ۲۱×۵/۳۱ س.م؛ اندازه سطر: ۵/۱۳×۵/۲۲ س.م؛ ۱۶ سطر سیاه (متن) و زر (سرسوره و ضمایم)

قرآن مورد بحث، که به اختصار قرآن ری خوانده می‌شود، یک جزوه ناقص از یک قرآن جامع یا چندپاره است که برگ‌های آغاز آن افتاده و اکنون در میان اوراق بازیافته با شماره ۴۷ ثبت شده است. این نسخه پس از مرمت با شماره ثبت جدید در فهرست قرآن‌های آستان قدس قرار خواهد گرفت؛ از این رو، فعلاً شماره دائم آن مشخص نیست.

قرآن ری بر روی کاغذ کتابت شده و در حال حاضر صرفاً ۳۵ برگ پایانی‌اش به‌جا مانده که مربوط به سوره‌های پایانی قرآن است. متن از نیمه آیه ۱۴ سوره

ت ۱. روی برگ اول  
به جامانده از قرآن ری.  
مشهد: کتابخانه آستان  
قدس رضوی، ش ثبت  
موقت: ۴۷، برگ ار.



صف (۶۱) آغاز می‌شود که سه سطر پایانی سوره را در بر می‌گیرد (ت ۱). بقیه متن تا پایان قرآن کامل است.

ساختار صفحات عمودی است. هر صفحه شانزده سطر دارد، بدون جدول‌کشی. نشان فصل آیات گل‌های زرین دوازده‌برگ و نشان خمس با شکلی پایزه‌مانند در میان سطور درج شده است. نشان عشر و نشان سرسوره نیز از عناصر حاشیه صفحات است.

اندازه نسخه ۳۱/۵×۲۱ س م است. دیگر قرآن‌های تاریخ‌دار کاغذی سده چهارم مانند قرآن چهارده‌پاره کشواد بن املاس، مورخ ۳۲۷ ق (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، ۳۰۱۴، ۳۰۱۵)، با اندازه ۱۱×۹ سانتی‌متر، و قرآن وقفی ابن کثیر بر حرم امام رضا (ع)، مورخ ۳۹۳ ق (ش ۹۶)، با اندازه ۱۰×۷ س م بسیار بزرگ‌تر است. بنابراین، اندازه این قرآن در ردیف قرآن‌های بزرگ اندازه کوفی شرقی قرار می‌گیرد، مانند ابو محمد جعفر بن علی بن جعفر وراق، مورخ ۴۱۶ ق (تهران: موزه ملی، ش ۳۶۱۰) با اندازه ۳۰/۲×۲۴ که احتمالاً قرآنی جامع بوده است؛<sup>۲۴</sup> یا قرآن هفت‌پاره علی بن شاذان رازی (دوبلین: کتابخانه چستریتی، ش Ms. ۱۴۳۴) با اندازه ۲۶×۱۸/۵ س م، که هر دو به سبب سبک خطشان احتمال می‌رود در مرکز ایران، و شاید ری، کتابت شده باشند.<sup>۲۵</sup>

سه تا شش واژه. همچنین، اندازه اکثر این نسخه‌ها در قطع متوسط (حداکثر ۲۵×۲۰ س م) است.<sup>۲۷</sup>

احتمال تهیه نسخه در قالب نیم‌سبعی (چهارده‌پاره) نیز بسیار بعید است؛ زیرا اگر تعداد ۴۱۵ تا ۴۲۵ برگ حدس زده شده برای این نسخه را بپذیریم، هر پاره حدود ۳۰ برگ داشته است، در حالی که نیم‌پاره کنونی ۳۵ برگ دارد و مشخص است شمار برگ‌های اولیه‌اش بیشتر از ۳۵ بوده است. با این حساب، احتمال ده یا حتی هفت‌پاره بودنش هم بسیار کم است، زیرا تعداد سطور قرآن‌های ده‌پاره و هفت‌پاره دیگر معمولاً کمتر از ده سطر در هر صفحه است، مانند قرآن ده‌پاره پوستی دیگر همین کاتب با هفت سطر در هر صفحه (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۱ و ۳۰۱۲) و قرآن وقفی عایشه حولا بر حرم امام رضا (ع) در سال ۵۴۴ ق، با پنج سطر در هر صفحه.

قرآن ری در هر سطر بین شش تا هشت کلمه (بدون احتساب حروف ربط) دارد. بر اساس تعداد واژه‌های هر سطر، تعداد سطور، و برگ‌های باقی‌مانده، می‌توان حدس زد این قرآن ۴۱۵ تا ۴۲۵ برگ داشته که با تعداد برگ‌های قرآن زنجانی با ۴۲۰ برگ برابر است.<sup>۲۶</sup> برگ‌های کنونی حدود یک‌دوازدهم کل قرآن را در برمی‌گیرد؛ اما، به سبب در دست نبودن بخش‌های دیگر، نمی‌توان فهمید این نسخه در چه قالبی بوده است؛ آیا آن را در قالب قرآنی جامع در یک جلد ساخته بودند یا مانند نسخه‌های نفیس سده چهارم و پنجم در قالب رבעه (چهار، هفت، ده، چهارده، و سی‌پاره)؟

بنابراین، ساختار اولیه این نسخه، بر پایه ساختار مرسوم قرآن‌های ایرانی، از دو قالب بیرون نیست: قالب چهارپاره مانند قرآن احمد بن یاسین اصفهانی، مورخ ۳۸۸ ق (استانبول: موزه هنر ترک و اسلامی، ش MSS ۴۵۳-۶)

تعداد سطور و واژگان هر سطر قرآن قزوینی تناسبی با قرآن‌های سی‌پاره ندارد، زیرا قرآن‌های سی‌پاره عموماً چهار یا پنج سطر در هر صفحه دارند و در هر سطر بین

بالري | لخزانة السيدة ام امير الامرا اطال | الله مدتهما  
في سنة تسع وثمانين وثلثمائة» (ت ۲).

البته کاتب، میان دو سطر نخست انجامة، عبارت ختم تلاوت قرآن را در سه سطر به قلم سیاه کتابت کرده است. این انجامة یکی از کامل ترین انجامة های نسخ قرآن در سده های نخست است که در آن نام کاتب، مذهب، حامی، تاریخ و محل کتابت به دقت درج شده و کاملاً خواناست. پس هیچ تردیدی در اصالت اطلاعاتش در میان نیست و همین امر اعتبار آن را در میان آثار سده چهارم هجری به منزله اثری محوری در بازشناسی وجوه مختلف تاریخ کتابت و کتاب آرایی دوچندان می کند.

نام کاتب و مذهب «عباس بن محمد بن عباس مصاحفی قزوینی» است. رقم این کاتب در قرآن دیگرش، قرآن ده پاره پوسی، لقب «مصاحفی» ندارد (ت ۳). سمعی در الانساب پنج کس ملقب به «مصاحفی» را نام برده که سه تن از آنان کاتب قرآن بوده اند. او در ذیل نام یکی از آنان، ابوداود سلیمان بن سلیم المصاحفی، مؤذن و امام مسجد، می نویسد: «به گمان، قرآن کتابت می کرد و بدان منسوب شد». <sup>۲۸</sup> بر این اساس، گمان می رود این لقب به کسانی اطلاق می شد که صرفاً در کار کتابت قرآن بوده و خدمت دین می کردند. همچنین، از آنجا که مصاحفی قزوینی صرفاً در این نسخه لقبش را درج کرده، می توان حدس زد تاریخ کتابت قرآن پوسی آستان قدس مقدم بر این نسخه بوده و او در فاصله کتابت این دو نسخه به این لقب مفتخر شده است.



ت ۲. انجامة قرآن  
ری حاوی نام کاتب،  
مذهب، محل کتابت،  
حامی و تاریخ کتابت  
و تذهیب. مشهد:  
کتابخانه آستان قدس  
رضوی، ش ثبت موقت  
۴۷، برگ ۳۵ ر.

که در این صورت هر پاره اش حدود یکصد برگ داشته، یا قرآنی جامع با ۴۱۵-۴۲۰ برگ همچون قرآن ابوجعفر وراق (تهران: موزه ملی، ش ۳۶۱۰) و قرآن محمد زنجانی.

## ۲. انجامة

انجامة نسخه بر روی برگ آخر به قلم کوفی شرقی به دو رنگ سیاه و زر در نه سطر کتابت شده است:

«فرغ من تذهیبه العباس بن محمد بن العباس | ... |  
فی صفر من شهر سنة احدى تسعين وثلثمائة | کتبه  
العباس بن محمد بن العباس | المصاحفی القزوینی



ت ۳. رقم کاتب در  
آغاز قرآن ده پاره پوسی،  
«بسم الله الرحمن  
الرحیم / کتب هذا  
الجزء / وادهبه العباس  
بن محمد قزوینی».  
مشهد: کتابخانه آستان  
قدس رضوی، ش  
۳۰۱۲، برگ ۲-۳ ر

در انجامه آمده این قرآن در «ری» برای «خزانه الکتب ام‌الامیر الامرا» کتابت شده است. «ام‌الامرا» یا «ام‌الملوک» لقب سیده ملک خاتون شیرین دختر اسپهبد رستم طبری (ف ۴۱۹ق) یکی از نخستین فرمانروایان زن در تاریخ ایران بود. او از خاندان باوندیان طبرستان بود که به همسری فخرالدوله دیلمی درآمد.<sup>۲۹</sup>

ابوالحسن علی بن حسن دیلمی ملقب به فخرالدوله یکی از سه فرزند حسن رکن‌الدوله بود که پس از مرگ پدر همراه با برادرش مؤیدالدوله به حکومت منطقه جبال، به مرکزیت ری، رسید. او به سبب طغیان علیه برادر بزرگ‌تر، فناخسرو عضدالدوله، و درگیری با مؤیدالدوله به خراسان گریخت و پس از درگذشت زودهنگام مؤیدالدوله به سال ۳۷۳ق با درایت صاحب بن عباد به حکومت جبال دست یافت.<sup>۳۰</sup>

سیده خاتون، پس از وفات صاحب بن عباد، وزیر باکفایت و مشهور به سال ۳۸۵ق، مشاور فخرالدوله در امور سیاسی شد. به گفته ابن اثیر، او علاوه بر امور سیاسی بر لشکر و دخل و خرج مالیات نیز مسلط بود.<sup>۳۱</sup> در سال، ۳۸۷ق که فخرالدوله درگذشت، سیده خاتون حکومت ری را به فرزندش ابوطالب رستم مجدالدوله (حک ۳۸۷-۴۱۹ق) سپرد. پسر دیگرش، ابوطاهر شاه خسرو، ملقب به شمس‌الدوله (حک ۳۸۷-۴۱۲ق)، نیز به حکومت همدان منسوب شد. به همین علت، از آن پس، سیده خاتون را «ام‌الملوک» خواندند. سیده خاتون در سال ۴۱۹ق درگذشت و پس از آن ری روی آرامش ندید و با بی‌تدبیری مجدالدوله در ۴۲۰ق به دست سلطان محمود غزنوی به آتش کشیده شد.<sup>۳۲</sup> بنابراین، این قرآن در زمانی تهیه شد که حکومت شاخه جبال آل بویه اسماً به نام مجدالدوله و در اصل در دست سیده خاتون بود. انتساب خزانه الکتب دربار به نام سیده خاتون مؤید تسلط بی‌چون و چرای او بر تمام امور است.

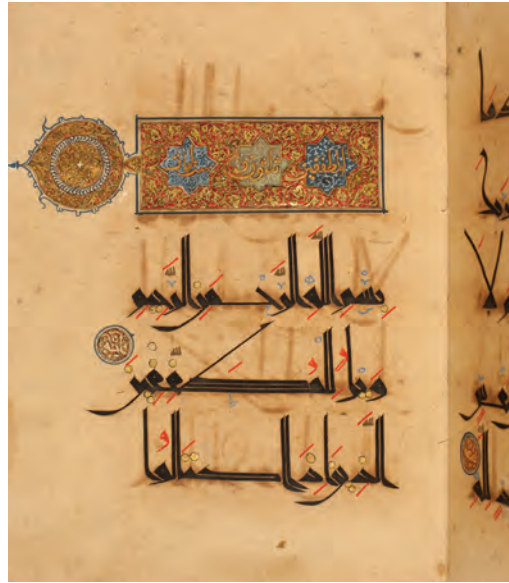
لقب سیده خاتون در انجامه «ام‌الامیر الامرا» درج شده است. لقب «امیر» و «امیر اجل» برای شاهان آل بویه در آثار بازمانده به وفور به کار رفته است.<sup>۳۳</sup> اما امیرالامرا لقبی است که در آغاز اسلام به بالاترین درجه

نظامی داده می‌شد.<sup>۳۴</sup> اندکی بعد لقب کسی شد که رسماً اختیار تمام امور مالی، نظامی، و اداری را در دست داشت. ضعف سیاسی دستگاه خلیفه در آغاز سده چهارم هجری خلیفه را برآن داشت امور را به چنین شخصی بسپارد. به همین سبب، این لقب برای نخستین بار از سال ۳۲۴ق برای ابن رائق به صورت رسمی به کار رفت.<sup>۳۵</sup> از میان شاهان آل بویه، عمادالدوله نخستین کسی بود که به این لقب مفتخر شد و سپس این مقام به معزالدوله و عضدالدوله رسید.<sup>۳۶</sup> با این حال، در منابع درباره امیرالامرای مجدالدوله سخنی نرفته است، زیرا او هیچ‌گاه چنان مستقل و قدرتمند ظاهر نشد که شایسته چنین لقبی باشد.

به‌رغم آگاهی‌های ارزنده‌ای که درباره برخی از کتابخانه‌های عصر آل بویه در دست داریم، در منابع سخنی از خزانه الکتب سیده خاتون در میان نیست. گمان نمی‌رود این خزانه الکتب از آن کتابخانه‌های دربرسته درباری با خدمات صرف برای درباریان باشد، بلکه به نظر یکی از دارالعلم‌های ری بوده است. چنان‌که پیش‌تر گفتیم، دارالعلم مجموعه‌ای فرهنگی متشکل از کتابخانه و چند اتاق و تالار بحث بود و از آنجا که نمود کتابخانه‌اش بیشتر بود گاه آن را خزانه الکتب، یا دارالکتب، می‌خواندند، چنان‌که دارالعلم شاپور را «خزانه الکتب سابور» و دارالعلم ابن سوار در بصره را «خزانه الکتب» و «دارالکتب» خوانده‌اند.<sup>۳۷</sup> از این رو، احتمالاً خزانه الکتب سیده خاتون هم همچون کتابخانه صاحب بن عباد، معروف به «دارالکتب ری»،<sup>۳۸</sup> دو مرکز فرهنگی مهم ری در این سال‌ها بوده‌اند.

کتابت نسخه به سال ۳۸۹ق به اتمام رسیده است، یعنی دو سال پس از درگذشت فخرالدوله و مسلط شدن سیده خاتون بر امور حکومت ری. تذهیب نیز در ۳۹۱ق به پایان رسیده است، سالی که ابن بواب در بغداد کتابت و تذهیب قرآن معروفش را به پایان رساند. از زمان آغاز کتابت نسخه اطلاعی نداریم، اما اگر حدود زمان تقریبی کتابت آن را، همچون زمان تذهیبش، دو سال در نظر بگیریم، آغاز کتابت نسخه در سال ۳۸۷ق

ت ۴. برگي از قرآن عثمان بن حسين وراق، احتمالاً غزنه، ۴۶۲-۴۶۶ ق. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۷۷، تذهیب سرسوره‌های این نسخه در مقایسه با تذهیب سرسوره‌های قرآن ری بسیار پرکارتر است.



بوده است؛ بنابراین، می‌توان حدس زد این نسخه از نخستین قرآن‌هایی است که سیده‌خاتون پس از به مرگ فخرالدوله به کتابتش فرمود.

بر اساس این انجامه، می‌دانیم تذهیب مختصر این نسخه نیز حدود دو سال زمان برده است که البته زمانی نسبتاً طولانی است، زیرا با احتساب زمان تقریبی دو سال برای کتابت متن، تولید آن در مجموع حدود چهار سال زمان برده است: برابر با زمان کتابت و تذهیب قرآن سی‌پاره‌ای که عثمان بن حسین وراق، کلانتر کارگاه غزنه، برای محمد عبودوسی تهیه کرد (۴۶۲-۴۶۶ ق).<sup>۳۹</sup> تذهیب قرآن سی‌پاره، به سبب لزوم اجرای صفحه‌افتتاح مستقل برای هر پاره، بسیار پرکارتر از یک نسخه جامع است (ت ۴). به علاوه، سبک قرآن‌پردازی هنرمندان عصر غزنوی بسیار مجلل‌تر از آل‌بویه بود؛ زیرا در قرآن‌های غزنه تمام سرسوره‌ها را درون قابی مجدول با زمینه‌ی مذهب کتابت کرده‌اند و نقش نشان‌هایی متعدد برای انواع تقسیمات قرآن در حاشیه‌شان انداخته‌اند.

گمان می‌رود یکی از عوامل زمان طولانی تولید قرآن ری آن باشد که هر دو امر کتابت و تذهیب بر عهده یک هنرمند بوده است. می‌دانیم چنین شخصی در سده‌های آغازین به «وراق» مشهور بود. وراق، برگرفته از «رق» (به معنی پوستی که بر آن نویسند)، کسی بود که علاوه

بر فروش ورق (کاغذ و پوست) قرآن و حدیث و دیگر متون می‌نوشت.<sup>۴۰</sup> بسیاری از وراقان سده‌های سوم و چهارم خود از نویسندگان و فضلالی عصر بودند مانند ابواسحاق بن ندیم صاحب کتاب الفهرست و ابوحيان توحیدی.<sup>۴۱</sup> در نتیجه، در نظام کتابت‌خانه درباری آل‌بویه، شیوه تولید نسخ نه از طریق همکاری تعدادی هنرمند، بلکه به دست هنرمندان منفرد ماهر بر تمام مراحل تولید کتاب انجام می‌شده است.

توجه بیش‌ازپیش به ظاهر نسخه و ضرورت تخصصی شدن مراحل تولید نسخه‌ها موجب شد که دست‌کم از اوایل سده پنجم هجری هر یک از مراحل به دست هنرمندی مجزا انجام شود. شاهد این سخن قرآنی است که ابوجعفر وراق کاتب، و ابی‌نصر منصور مذهب در سال ۴۱۶ ق تولید کردند و ویژگی‌های خط و تذهیبش بر تولیدش در مرکز ایران گواهی می‌دهد.<sup>۴۲</sup> همچنین، در اواسط سده پنجم در شرق ایران هنرمندان کارگاه غزنویان در یک نظام استاد-شاگردی مشترک‌انفیس‌ترین قرآن‌های کوفی شرقی را تولید کردند که نسخه هفت‌پاره تفسیر منیر شاهدهی بر آن است.<sup>۴۳</sup> در رقم این نسخه عثمان بن حسین وراق غزنوی را مسئول کتابت و تذهیب دانسته‌اند حال آن‌که در لابلای تذهیب صفحات میانی رقم شاگردان عثمان، علی و محمد، نیز درج شده است، امری که از وجود یک نظام کارگاهی منسجم خبر می‌دهد. در نتیجه، مصاحفی قزوینی را باید در زمره آخرین هنرمندانی به شمار آورد که بر پایه نظام کهن وراقی احتمالاً تمام مراحل تولید نسخه را به تنهایی بر عهده داشته است.

### ۳. خط

در قرآن ری، متن به قلم سیاه و اعراب شامل فتحه، کسره و ضمه به قلم شنجرف، به شیوه خلیل بن احمد فراهیدی، با خطوط تیز مورب کتابت شده است. علائم شد و مدّ نیز به قلم لاجوردی و همزه با علامتی درشت به قلم زنگار درج شده است. این در حالی است که، در قرآن ده‌پاره پوستی، همین کاتب اعراب را به شیوه ابوالأسودی با نقطه‌های شنجرف گرد درج کرده است.



ت ۵. جزئیاتی از کتابت مصاحف قزوینی در قرآن ری. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی برگ ۳.

ت ۶. مقایسه دو بسمله از قرآن‌های قزوینی، قرآن ده‌پاره پوسی با الف‌های کوتاه (بالا)، و قرآن ری با الف‌های بلند و کشیده (پایین).

حد امکان ارتفاع حروف عمودی را کاهش دهد، در حالی که در قرآن ری قطع عمودی فاصله بیشتر بین سطوره‌ها را موجب شده و این فاصله آزادی عمل بیشتری برای کاتب ایجاد کرده است. این ویژگی بر شکل دیگر حروف نیز بیش و کم مؤثر افتاده است. مثلاً در قرآن ری «س» در «بسم» متناسب با ارتفاع بلند «الف» رشیدتر و بلندتر کتابت شده و ساختار هندسی متفاوتی یافته است. این امر یکی دیگر از ویژگی‌های قلم کوفی شرقی را نشان می‌دهد: انعطاف اصول خط در برابر شرایط کلی صفحه. این ویژگی در دیگر اقلام دیده نمی‌شود زیرا به نظر می‌رسد در قواعد ابداعی منسوب به ابن مقله، که اندکی بعد به کوشش ابن بواب تثبیت شد، انعطاف اندازه و تناسبات بسته به شرایط صفحه تماماً متروک شد. تکرار ویژگی‌های قرآن ری در نسخه دیگر این کاتب و همچنین چند نسخه بی‌شناسنامه دیگر حاکی از وجود سبکی منسجم از قلم کوفی شرقی در ری است و از این رو عجالتاً این سبک را «رازی» می‌نامیم. بر اساس ویژگی‌های این نسخه، می‌توان محل کتابت دیگر نسخه‌های مشابه را به ری منسوب کرد، مثلاً قرآن علی بن شاذان رازی (دابلین: کتابخانه چستریتی، Ms. ۱۴۳۴)، که جز نسبت کاتبش مدرک دیگری برای کتابت در ری در دست نیست، به سبب شباهت چشمگیر خطش به خط مصاحف قزوینی، می‌تواند در ذیل این سبک قرار گیرد.

از سوی دیگر، شباهت چشمگیر خط این نسخه با قرآن‌های اصفهان حاکی از رابطه‌ای محکم میان سبک رازی و اصفهانی است. سبک اصفهانی، به استناد قرآنی مورخ ۳۲۷ ق، در اوایل سده چهارم هجری در اصفهان

خط تمام نسخه اعم از متن قرآن، سرسوره‌ها، و انجامه به کوفی شرقی است. کوفی شرقی مطابق با شواهدی چون قرآن ابوالقاسم خیقانی، مورخ ۲۹۲ ق (دابلین: کتابخانه چستریتی: Is ۱۴۱۷۸)، و چند مجموعه دیگر<sup>۴۴</sup>، از اواخر سده سوم در کتابت قرآن به کار رفت. این قلم در سده چهارم رشد کرد و به سبک‌هایی متنوع تقسیم شد، به طوری که می‌توان با قاطعیت از سبک‌های منطقه‌ای مختلفی سخن گفت که در ری، خراسان، طبرستان و اصفهان رواج داشت.<sup>۴۵</sup>

شیوه به کاررفته در کتابت این نسخه با ویژگی‌هایی چون اتصالات افقی و قوی بین حروف، ارسال در حرکات زیر خط کرسی، کیفیت مسطح خط، دقت در اجرای مفردات، و نبود حروف کشیده در کل متن شناخته می‌شود. «الف» با دنباله مورب و گاه بدون دنباله با سری زاویه‌دار و نسبتاً درشت کتابت شده است. «ع» با سه حرکت مجزای قلم و انحنایی خفیف در حرکت اول همراه است. به علاوه، اکثر حروف خرد حرکتی در جهت عمود دارند، و صرفاً سر «و»، «م» و «ف»، «ب» با ساختاری مورب کتابت شده‌اند (ت ۵).

این ویژگی‌ها با اندکی اختلاف در قرآن دیگر این کاتب، قرآن پوسی ده‌پاره، به کار رفته است. نکته اینکه ارتفاع حروف عمودی، به ویژه الف، در قرآن پوسی کوتاه‌تر از این نسخه است. مقایسه دو «بسمله» از این دو نسخه به خوبی تفاوت این ویژگی را نشان می‌دهد (ت ۶). بدیهی است در قرآن پوسی به سبب فشردگی عمودی سطوره در قطع افقی نسخه کاتب را واداشته تا



رواج داشت. این قرآن به نام واقفش، کشواد بن املاس، شناخته می‌شود. از این قرآن چهارده پاره، سه پاره به جا مانده است (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، ۳۰۱۴، ۳۰۱۵).<sup>۴۶</sup> به رغم ابتدایی بودن، رابطه محکمی در اصول خط این قرآن با قرآن‌های سبک رازی دیده می‌شود (ت ۷).

شبهت دیگر قرآن‌های مصاحفی قزوینی و اصفهانی «کتابت پیوسته»<sup>[۱]</sup> متن است. در کتابت پیوسته، کاتب فاصله بین حروف را برابر با فاصله بین کلمات اجرا می‌کرد؛ به همین سبب، حروف در کل سطر فاصله‌ای برابر دارند و خلوت و جلوت نسبتاً یکدست است. در این شیوه، واژه‌های پایان سطر، اگر در مسطر ننگند، شکسته می‌شود و مابقی آن در سطر بعد کتابت می‌شود.<sup>۴۷</sup> این شیوه سنتی است که از قرآن‌های کوفی اولیه به جا مانده بود و تا اواخر سده چهارم در قرآن‌های مرکز ایران استفاده می‌شد. با این همه، مصاحفی قزوینی،

1. Scriptio Continua.

ت ۷. جزئیاتی از خط قرآن کشواد بن املاس. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۰۱۳، برگ ۳.



ت ۸. یک سطر از قرآن ری که کاتب به منظور جلوگیری از شکسته شدن واژه «لتعلموا» و «احاط» چند حرف پایان آخرین سطور سوره را فشرده کتابت کرده است، برگ ۵.



همانند کاتب قرآن کشواد بن املاس، گاه کلمات پایان سطر را فشرده‌تر کتابت کرده تا شکسته نشوند (ت ۸). این شیوه پیش‌تر در قرآن‌های کوفی اولیه ایرانی رواج داشت<sup>۴۸</sup> و طبق شواهد تا اواخر سده چهارم در قرآن‌های کوفی شرقی نیز به کار می‌رفت.

به سبب تقدم زمانی قرآن کشواد بن املاس، عجلتاً سبک رازی را باید شاخه‌ای منشعب از سبک اصفهانی به شمار آورد. نزدیکی اصفهان و ری، که هر دو مراکز مهم عراق عجم بودند، و نیز اهمیت این دو شهر در سده چهارم برای حاکمان آل بویه، این رابطه را توجیه می‌کند. با این حال، تفاوت‌هایی نیز در قرآن‌پردازی ری و اصفهان هست؛ از جمله آنکه مصاحفی قزوینی در این نسخه ضمایم (سرسوره‌ها و انجامة) را به قلم کوفی شرقی کتابت کرده است، در حالی که همین کاتب، در قرآن پوستی ده پاره، ضمایم از جمله سرسوره‌ها و رقم خویش را به کوفی اولیه (سبک D.I دروش) نوشته است. این ویژگی در قرآن‌های قدیم‌تر، به ویژه قرآن‌های سبک اصفهانی، مانند قرآن کشواد بن املاس، قرآن یاسین بن احمد اصفهانی (۳۸۳ق، اصفهان) و دو قرآن بی‌رقم نیز تکرار شده است (مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۰۱۵؛ لندن: مجموعه خلیلی، ش ۴۳۰). بنابراین، به نظر می‌رسد مصاحفی قزوینی در قرآن پوستی ده پاره سنت‌های کهن همچون قطع افقی، اعراب ابوالأسودی، جنس پوست، استفاده از خط کوفی اولیه در ضمایم، را به نمایش گذاشته، در حالی که در قرآن ری از سنت‌های کهن کاملاً جدا شده و، علاوه بر تغییر قطع و شیوه اعراب‌گذاری و جنس ورق، قلم کوفی اولیه را به کلی به کناری نهاده است.

#### ۴. تذهیب

در قرآن‌های سده چهارم مرکز ایران، مانند قرآن کشواد بن املاس، و قرآن بی‌رقم سبک اصفهانی (ش ۵۰۱۵)، دو صفحه به الواح تذهیب شده اختصاص دارد: دو یا سه صفحه حاوی متنی درباره شمار سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن است و صفحات افتتاح با لوح‌های صدر و

ذیل و گاه جدول‌کشی و ابرک همراه است.<sup>۴۹</sup> این عناصر مبنای شناخت ویژگی‌های تذهیب‌نسخ است. اما در قرآن ری، به سبب افتادگی آغاز نسخه، هیچ‌یک از موارد یادشده به‌جا نمانده است. به‌علاوه سرسوره‌ها نیز بدون قاب‌بندی است و نشان‌ها بسیار مختصر اجرا شده است. تنها صفحات مذهب مهم صفحه انجامه در پایان نسخه است. در این صفحه، فضای مسطر به سه بخش مساوی تقسیم شده است: بالا در چهار سطر آخرین سوره قرآن، سوره ناس، به‌قلم سیاهی درج شده و بدون تذهیب است (ت ۲). بخش میانی یک سطر به زر حاوی نام مذهب و سه سطر به سیاهی، حاوی عبارت ختم قرآن است. بخش پایین نیز یک سطر زر حاوی تاریخ تذهیب و سه سطر به سیاهی، حاوی نام کاتب، حامی، محل و تاریخ کتابت است.

زمینه بخش دوم و سوم ابری‌سازی شده و با هاشورهای عمودی و نقش گلی شبیه به نیلوفر سه و گاه پنج‌پر درون شکلی پایزه‌مانند آراسته شده است (ت ۹). این نقش در پایین مسطر به صورت مکرر در کنار هم قرار گرفته است. مصاحفی از این نقش در حاشیه صفحات رقم‌کاتب در قرآن ده‌پاره پوستی نیز استفاده کرده است (ت ۳). این نقش یادآور آرایه‌های کهن ایرانی است که در آثار معماری پیش از اسلام نیز کاربرد داشت. نمونه‌ای از آن نقش ته‌ستون ویرانه‌های آتشکده ری، منسوب به دوره ساسانی، است (ت ۱۰). شیوه به‌کارگیری این نقش در این ته‌ستون دقیقاً مانند بخش پایین صفحه انجامه در قرآن ری است. این نمونه استمرار نقوش تزیینی پیش از اسلام را در تذهیب قرآن‌های سده چهارم به‌خوبی نشان می‌دهد و افزون بر آن از اهمیت هنر بومی در شکل‌گیری سبک‌های منطقه‌ای پرده بر می‌دارد، زیرا مشابه آن در قرآن‌های به‌جامانده از شرق ایران دیده نمی‌شود.

گرداگرد مسطر در این دو صفحه جدولی است آراسته به نقشی واگیره‌ای شبیه به برگ کنگر. بیرون جدول، در حاشیه، ابرکی بزرگ و زرین با ترکیب متقارن متشکل از چند گلبرگ بزرگ و دو غنچه نیلوفر نقش بسته است. این نقش با ابعادی کوچک‌تر و جزئیات



ت ۹. جزئیاتی از آرایه‌های زمینه صفحه انجامه در قرآن ری، برگ ۳۵.



ت ۱۰. ته‌ستونی از آتشکده ری، دوره ساسانی. عکس از مهدی مکی‌نژاد.



ت ۱۱. سرسوره «معارض» در قرآن ری، برگ ۱۱۱. متن به‌قلم زرین محرر کتابت شده و نقش ابرکی در حاشیه برای تمایز آن از متن درج شده است.

کمت‌ر در کنار سرسوره دیگر صفحات نیز قرار گرفته است. وجه مشخصه سرسوره‌ها، علاوه بر ابرک حاشیه، زنگ زرین آنهاست که در یک سطر و گاه یک‌ونیم سطر در آغاز هر سوره درج شده است (ت ۱۱). ابرک‌های این نسخه به ابرک‌های قرآن کشواد بن املاص شباهت زیادی دارد؛ البته با دقت و جزئیات بیشتری اجرا شده است. بنابراین، در تذهیب نیز می‌توان رد پزرنگی از تذهیب اصفهان پی گرفت.

نشان‌ها محدود است به نشان ختم آیات که در میان سطور و با گل یازده‌پر زرین مشخص شده است. این در حالی است که در برخی از قرآن‌های مرکز ایران مانند قرآن کشواد بن املاص و قرآن ده‌پاره بی‌رقم آستان قدس (ش ۵۰۱۵) برای فواصل آیات نشانی اجرا نکرده‌اند. اما نشان خمس در قرآن ری همانند دیگر نسخه‌های اصفهان به‌شکل پایزه حاوی یک برگ کنگر در میان سطور، و گاه بدون برگ، بر روی آخرین واژه آیه درج شده است. تنها نشان عشر است که در حاشیه



صفحات به شکل گل بزرگ زرین حاوی عدد آیه به قلم کوفی شرقی نقش بسته است (ت ۱۲). این نشان را نیز در دیگر قرآن‌های اصفهان و ری نیز می‌توان دید.

نشان سجده علامتی خاص ندارد. آیات سجده‌دار را، مانند آیه ۲۱ سوره انشقاق (۸۴)، صرفاً با درج واژه «سجده» به کوفی اولیه در حاشیه صفحه (برگ ۲۵ ر) مشخص کرده‌اند. این در حالی است که ربع قرن بعد در قرآن ابوجعفر وراق، نه تنها آیات سجده‌دار که برای دیگر ملزومات قرائت، همچون زمان مناسب قرائت سوره‌ها، نشانی ویژه طراحی کرده‌اند.

### خاتمه

اطلاعات انجامة قرآن ری زمینه‌ساز شناخت ابعاد مختلفی از شیوه‌های قرآن‌پردازی سده چهارم در مرکز ایران است. همچنین، سبک خط و تذهیب این نسخه به منزله اثری محوری در شناخت سبک‌های قرآن‌نگاری و خوشنویسی سده چهارم بسیار مفید است. در مجموع، مهم‌ترین نکات مستخرج از این اثر را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

- مصاحفی قزوینی یکی از کاتبان و مذهبیان سده چهارم هجری بود که در دارالعلم‌ها و کتابت‌خانه‌های عصر آل بویه فعالیت می‌کرد. در حال حاضر، دو اثر رقم‌دار از او، البته با ساختاری متفاوت، در دست است: قرآن ده‌پاره پوستی با ساختار افقی کتابت‌شده بر پوست که

ضمائمش به قلم کوفی اولیه است؛ دیگر قرآن ری با خصایصی تازه‌تر مطابق با شیوه متاخر قرآن‌های ایرانی در قطع عمودی و ضمام کوفی شرقی. این نکته حاکی از دو واقعیت است: اینکه قرآن‌پردازان سده چهارم احتمالاً بسته به نظر حامی سبک‌های متفاوتی را اجرا می‌کردند و دیگر اینکه این سده دوره‌ای بینابین در قرآن‌نگاری است که از یک سو استمرار قطع افقی قرآن‌های پوستی و قلم کوفی اولیه در ضمام است و از سوی دیگر پذیرای ابداعات تازه، یعنی قطع عمودی قرآن‌های کاغذی و استفاده از اقلام ابداعی وابسته است.

- مصاحفی قزوینی را باید از آخرین وراقان، به معنای اصیل وراقی، تلقی کرد، چرا که او تذهیب و کتابت را توأمان برعهده داشته است. اهمیت این مسئله از آن روست که در برخی از قرآن‌های نفیس و درباری سده پنجم، کتابت و تذهیب هر یک بر عهده یک نفر بوده است.

- قرآن ری تحت حمایت سیده‌خاتون در ۳۹۱ ق تهیه شده است و از این طریق می‌توان اطلاعاتی درباره یکی دیگر از کتابخانه‌های مهم آل بویه به دست آورد. این کتابخانه احتمالاً از نوع دارالعلم‌های عصر آل بویه، محلی برای حضور دانشمندان و طالبان علم، بوده و همچون دارالعلم صاحب، مرکز مهم علمی ری در سده چهارم به شمار می‌رفته است.

- به سبب شباهت سبک خط قرآن ری به چند نسخه دیگر، می‌توان سبکی دیگر از کوفی شرقی را که زمانی در ری رواج داشت شناسایی کرد و دیگر نسخه‌های بدون رقم مشابه را به آن منسوب کرد. سبک رازی کوفی شرقی، مطابق با شواهد یادشده، ریشه در سبک اصفهانی دارد.

- در تذهیب مختصر قرآن ری، نشانه‌های روشنی از نقوش عصر ساسانی هست که استمرار شیوه‌های کهن در تذهیب عصر آل بویه را نشان

14. *The unique Ibn al Bawwab Manuscript in the Chester Beatty Library.*
15. D. S. Rice.
16. D. S. Rice, *The Unique Ibn al-Bawwāb Manuscript in the Chester Beatty Library*, 5.
۱۷. فضائل، اطلس خط: ۳۰۴.
۱۸. فکرت، «ابن بواب».
۱۹. هاشمی نژاد، فراز و فرود نسخ‌نویسی در ایران: ۴۲-۴۳.
20. James, *Qur'ans of the Mamluks*, 16-17.
۲۱. بلر، خوشنویسی اسلامی: ۱۹۶-۲۰۵.

۲۲. این تصویر، به سبب اهمیت اطلاعاتش، توجه نگارنده و دوست فاضلم آقای دکتر مرتضی کریمی‌نیا را برانگیخت، اما جستجوهایمان در میان نسخه‌های فهرست‌شده کتابخانه آستان قدس به جایی نرسید. تا اینکه در تابستان ۱۴۰۰ش که طبقه‌بندی و فهرست‌نویسی اوراق بازیافته بخش مخطوطات بر عهده نگارنده قرار گرفت، این نسخه در میان انبوه برگ‌های پراکنده از قرآن‌های بازیافته پیدا شد. ظاهراً، آقای رمضان‌علی شاکری، در سال ۱۳۶۷ق، در زمان آماده‌سازی و دسته‌بندی اوراق بازیافته صرفاً تصویری از این نسخه را در کتاب یادشده منتشر کرده بود و پس از آن به دلایلی ثبت نهایی اطلاعات این نسخه‌ها صورت نگرفته بود. در اینجا جا دارد از مسئولان جدید کتابخانه، به‌ویژه آقای دکتر حسن‌آبادی، رئیس اداره مخطوطات کتابخانه، بابت همکاری‌هایشان، سپاس‌گزاری کنم.

۲۳. صحراگرد، سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی: ۱۳۴-۸.

۲۴. صحراگرد، همان: ۱۴۲-۱۴۴.
۲۵. همان، ۳۱۷. البته قرآن‌هایی با اندازه بزرگ‌تر به خط کوفی شرقی وجود دارد، مانند قرآنی بدون رقم با اندازه ۲۹/۵×۳۷ (مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۵۴) و قرآنی به خط محمدبن علی بن حسین صفار، مورخ ۳۸۳ق، با اندازه ۲۲×۳۹ س.م. (استانبول، کتابخانه کاخ توپقاپی، HS 22). اما این نسخه‌ها احتمالاً در مراکز هنری جز مراکز تحت سلطه آل بویه کتابت شده‌اند.
۲۶. برای آگاهی بیش‌تر درباره این قرآن نک: کریمی‌نیا، «مصحف زنجانی، به خط کوفی در ۵۳۱ق»؛ صحراگرد، همان: ۳۵۰-۵.
۲۷. برای اطلاعات بیشتر درباره اندازه قرآن‌های کوفی شرقی، نک: صحراگرد، همان: ۱۱۰-۱۱۲.
۲۸. سمعانی، الأُنساب: ۳۳۷.
۲۹. أَلْتَوْحِي. معجم أعلام النساء: ۱۰۹.
۳۰. ابن اثیر، العبر والتاریخ: ۴۰۹.
۳۱. ابن اثیر، همان: ۱۳۲.

می‌دهد. به‌علاوه، از آنجا که این نقوش در بناهای تاریخی ری به‌کار رفته فرضیاتی درباب سبک منطقه‌ای تذهیب در قرآن‌های این عصر نیز می‌توان مطرح کرد.

- قرآن ری در سال ۳۹۱ق، دقیقاً همزمان با قرآن ابن بواب، تهیه شده و مقایسه این دو اثر می‌توان نکات ارزنده‌ای از سبک‌های متنوع قرآن‌پردازی سده چهارم را برملا کند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
۲. ابن مسکویه، تجارب‌الأمم، ۳۳.
۳. بهاء‌الدین بن اسفندیار، تاریخ طبرستان: ۱۴۰؛ مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم: ۶۶۸-۹.
۴. به نقل از ابن خلکان، وفیات الاعیان، ۱۴۵.
۵. یاقوت حموی، معجم البلدان: ۲.
۶. مقدسی، همان: ۲۷۸.
۷. ابن مسکویه، همان: ۳۰۱.
۸. آدام متر، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری: ۲۰۵-۷.
۹. ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم: ۱۷۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ: ۸۸.
۱۰. مانند قصیده راثیه ابن بواب درباره تراش قلم. متن آن در برخی منابع از جمله در مقدمه تاریخ ابن خلدون آمده است (ابن خلدون، مقدمه: ۸۳۷-۸).
۱۱. منظور از اوراق بازیافته مجموعه نسخه‌های ناقص و برگ‌های پراکنده باقی‌مانده از قرآن‌های سده‌های نخست هجری است که در لابه‌لای دیوارها و پوشش سقف‌های مجموعه آستان قدس رضوی پنهان شده بود. این برگ‌ها طی سال‌های گذشته در چند مرحله کشف و به کتابخانه منتقل شده است. ظاهراً نخستین بار در سال ۱۳۴۸ش تعدادی کیسه حاوی بیش از هزار نسخه از میان دو پوشش سقف دارالسلام کشف شد که احمد گلچین معانی گزارش آن را در این مقاله ذکر کرده است:
- احمدگلچین معانی، «شاهکارهای هنری قرن پنجم هجری...».
12. Jonathan Bloom, "fact and fantasy in Buyid Art".
13. Sheila S. Blair, "FORGERIES iii. OF ISLAMIC ART".

## کتابنامه

۳۲. ابن مهلب بن محمد شاذی، *مجلد التواریخ والقصص*: ۴۰۴
33. Bloom and Blair and wardwell, "Reevaluating the Date of the Buyid Silks by Epigraphic and Radiocarbon Analysis": 7.
۳۴. بلاذری، *فتوح البلدان*: ۱۰۹ و ۱۱۵.
۳۵. ابن مسکویه، *تجارب الامم*: ۳۵۱؛
۳۶. عارف دوری در کتاب *عصر امرة الامرا في عراق مفضلاً درباره این لقب و جایگاه آن سخن رانده است.*
۳۷. محمدی و پرویش، «جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در تولید علم و دانش»: ۱۳۹.
۳۸. ابن خلکان، *وفیات الأعیان*: ۱۴۵.
۳۹. برای اطلاعات بیشتر درباره این نسخه، نک: صحرارگرد، همان: ۱۷۳-۱۸۵.
۴۰. سمعانی، همان: ۲۳۶.
۴۱. برای اطلاعات بیشتر درباره این حرفه، نک: افشار، *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*: ۶۶-۶۸؛ مایل هروی، *کتاب آرای در تمدن اسلامی*: ۵-۷۲۴.
۴۲. صحرارگرد، همان: ۱۴۲-۱۴۴.
۴۳. کهن‌ترین اثر رقم‌دار این کارگاه نسخه آداب الخلق الرسول و خلقه اثر ابوبکر محمد بن رافع است که برای خزانه‌الکتب عبدالرشید دیلمی تولید شد. پس از آن، عثمان بن حسین و راق غزنوی و پسرش محمد به همراه علی غزنوی و راقانی بودند که در کارگاه ابراهیم غزنوی تعدادی نسخه ارزنده تولید کردند. برای اطلاعات بیشتر، نک: صحرارگرد، همان: ۷۲-۳؛ همو، «تفسیر حدادی: مدخلی بر شناخت خوشنویسی و تذهیب عصر غزنوی».
۴۴. برای آگاهی از دیگر برگ‌های این قرآن، نک: کریمی‌نیا، «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی...»: صحرارگرد، همان: ۱۱۹-۱۲۰.
۴۵. بررسی سبک‌های کوفی شرقی به شناخت ۲۸ سبک مختلف انجامید که پنج سبک عمده آن در مناطق مشخصی از ایران رواج داشته‌اند. برای اطلاعات بیشتر، نک: صحرارگرد، همان: ۶۷-۸۷.
۴۶. برای اطلاعات بیشتر درباره این قرآن و دیدن تصاویرش، نک: صحرارگرد، «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: بررسی صفات قلم کوفی در قرآن اصفهان».
۴۷. کریمی‌نیا، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی ۱۰: قرآن کوفی ۴۲۸۹ موزه ملی ایران»: ۱۱۸.
۴۸. همان.
۴۹. نک: صحرارگرد، «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی»، ۲۲؛ همو، *سطر مستور*: ۱۲۸-۱۴۹.
- ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*. بیروت: ۱۳۹۸-۱۴۰۸.
- ابن خلکان [بیتا]. *وفیات الاعیان*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دارالصادر للطباعة والنشر.
- ابن مهلب بن محمد شاذی. *مجلد التواریخ و القصص*. سیفالمدین نجماآبادی. نیکاهوزن، ۲۰۰۰م.
- ابن مسکویه. *تجارب الامم*. ج ۱. تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: دار سروش للطباعة والنشر، ۱۳۷۹.
- ابن خلدون، مقدمه. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
- ابوالفرج ابن الجوزی. *المنتظم فی تاریخ الملوك والامم*. تحقیق محمد و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
- صدر حاج‌سیدجوادی، احمد. *دائرة المعارف تشیع*. تهران: محبی، ۱۳۷۸، افشار، ایرج. *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰.
- ألتونجی، محمد. *معجم أعلام النساء*. بیروت: دارالعلم للملایین، ۲۰۰۱.
- بلاذری، احمد. *فتوح البلدان*. به کوشش دخوی. لیدن، ۱۸۶۵م.
- بهاء‌الدین بن اسفندیار. *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه آذر، ۱۳۶۱.
- دوری، تق‌الدین عارف. *عصر امرة الامراء في العراق ۳۲۴ - ۳۳۴ ق ۹۳۶ - ۹۴۶*، دراسة سياسية اقتصادية اجتماعية. بغداد: جامعة بغداد، ۱۳۹۵ق.
- ذکرالله محمدی و پرویش، محسن. «جایگاه و اهمیت کتاب و کتابخانه در عصر آل بویه و نقش آن در تولید علم و دانش»، *مطالعات تاریخ اسلامی*، ش ۹ (تابستان ۱۳۹۰): ۱۲۷-۱۵۰.
- صحرارگرد، مهدی. «سبک‌شناسی منطقه‌ای کوفی شرقی: بررسی صفات قلم کوفی در قرآن اصفهان (محمفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی)»، *نامه هنرهای تجسمی و کاربردی*، ش ۲۸ (تابستان ۱۳۹۹): ۱۹-۳۴.
- صحرارگرد، مهدی. *سطر مستور: تاریخ و سبک‌شناسی کوفی شرقی*. مشهد: بنیاد بین‌المللی امام رضا (ع) و تهران: متن، ۱۳۹۹.
- فکرت، محمدآصف. «ابن‌یوآب»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۳ (۱۳۸۳): [www.cgie.org.ir/fa/article/222855](http://www.cgie.org.ir/fa/article/222855)
- کریمی‌نیا، مرتضی. «مصحف زنجانی، به خط کوفی در ۵۳۱ق»، *پژوهش‌های نسخه‌شناسی*، ش ۲ (بهار ۱۳۹۸): ۴۹-۶۸.
- کریمی‌نیا، مرتضی. «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی ۱۰: قرآن کوفی ۴۲۸۹ موزه ملی ایران»، *آیین پژوهش*، سال ۳۱، ش ۱۸۴ (مهر و آبان ۱۳۹۹): ۱۱۱-۱۷۷.
- مایل هروی، نجیب. *کتاب آرای در تمدن اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.

D.S. *The Unique Ibn al-Bawwab Manuscript in the Chester Beatty Library*. Dublin: Emery Walker Ltd, 1955.

Bloom, Jonathan M. "Facts and Fantasy in Buyid Art", *Oriente Moderno Nuova serie*, Anno 23 (84), Nr. 2, Kunst und Kunsthandwerk im frühen Islam, Bamberger Symposium Der Islamischen Kunst 25. - 27. JULI 1996 (2004): 387-400.

Blair, Sheila S. "FORGERIES iii. OF ISLAMIC ART," *Encyclopædia Iranica*, 2011: [www.iranicaonline.org/articles/forgeries-iii](http://www.iranicaonline.org/articles/forgeries-iii) (accessed on 18 August 2015).

Sahragard, Mahdi. "Revived Leaves: The Qur'an endowed by Kashwād b. Amlās (a manuscript on paper from Işfahān, dated Ramaḍān 327/939)", *Journal of Islamic Manuscripts* (forthcoming)."

متز، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی فراگوزلو، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۲.

مقدسی، ابوعبدالله. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ۱۳۶۱.

یاقوت حموی. معجم البلدان. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.

Panoussi, Estiphan. "La Théosophie Iranienne Source d'Avicenne?" *Revue Philosophique de Louvain* 66 (1968): 239-66. <http://www.jstor.org/stable/26336137>.

Blair, Sheila S., Jonathan M. Bloom and Anne E. Wardwell-Rice, "Reevaluating the Date of the "Buyid" Silks by Epigraphic and Radiocarbon Analysis", *Ars Orientalis*, no. 22 (1992): 1-41.